

آن سوی دریا
این سوی خاک "آماده پخش شد
جدیدترین مجموعه تلویزیونی شبکه خلیج فارس با عنوان آن سوی دریا - این سوی خاک آماده پخش شد . این سریال در ۱۲ قسمت ۳۵ دقیقه‌ای و به کارگردانی فرزین مهدی پور تولید شده است .
آن سوی دریا - این سوی خاک تمی اجتماعی پلیس دارد و داستان زندگی فردی به نام مراد را به تصویر می کشد که بی گناه و به اتهام مواد مخدر در زندان امارات گرفتار می شود .
مراد پس از آزادی به بندرعباس بر می گردد و در صدد انتقام جویی از عواملی که باعث این گرفتاری او شده اند می پردازند. کلیه لوکیشن های این سریالدر بندرعباس و شهرهای اطراف آن می باشد و رنگ و بویی محلی و بومی دارد.. علی اوسینود و فرشید زارعی فرد بهماره گروهی از بازیگران که بخشی از آنها هرمزگانی هستند در این سریال به ایفای نقش می پردازند . بهرام صادقی مزیدی تهیه کنندگی این کار را بر عهده داشته است .
آن سوی دریا - این سوی خاک قرار است از یکی از شبکه های سراسری سیمما پخش شود .

اولین جشنواره

عکس کوهستان بر گزار می شود

 	
طی نشست مشترک اعضاء هیات کوهنوردی هرمزگان و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آبان ماه طرح برگزاری جشنواره عکس کوهستان مورد موافقت قرار گرفت.	
به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان همایون امیرزاده مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن مثبت خواندن این تعامل گفت : فعالیتهای سازمان تربیت بدنی استان در جهت صیانت از نام خلیج فارس و ترویج فرهنگ ورزشی عمومی بویژه کوهنوردی ستودنی است.	

وی در ادامه افزود : قابلیت‌های بسیاری در استان مورد غفلت زیست محیطی قرار گرفته و این توام شدن ورزش با کار فرهنگی می تواند نتایج خوبی در شناسایی استعدادها به همراه داشته باشد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن ابراز تاسف از تحریبهایی زیست محیطی اخیر استان اظهار داشت : مانند مرگ نهنگ ها و دلفین ها فریاد اعتراض طبیعت به ما انسانهاست تا به خود اّیتم و در نگاهمان به طبیعت و محیط زیست تجدید نظر کنیم .

امیرزاده سهم برنامه های فرهنگی را در آموزش بزرگ دانست و تصریح کرد : ما از سال گذشته برگزاری جشنواره هنرهای محیطی را با هدف معرفی زیبایی های طبیعت برای اولین بار در کشور آغاز کردیم که نمود بسیار خوبی داشته است . محمود رضا رمضان پور رئیس هیات کوهنوردی استان با بیان این مطلب که همکاری میان ارگاهای مختلف تشکل های مردمی باعث بالا رفتن سطح کیفی کارها می شود گفت : با توجه به اینکه هرمزگان یک استان نیمه کوهستانی است قصد داریم این زیبایی های بی نظیر را ثبت و به مردم معرفی کنیم . گفتنی است: نخستین جشنواره عکس کوهستانی دیماه سالجاری در بندرعباس برگزار خواهد شد.

قصه

مرگ بی شکوه یک گرپه

خودش را با ناز به در اتاق زد و بازش کرد درست

مثل همیشه، چشمهای براق وشفافش تصویریک زن و مرد و پسر بچه ای را ثبت کردند. قد کشید ، روی پنجه هایش فشار آورد و منتظر ایستاد. انتظار بغل شدن و دست نوازش کشیدن.زبان سرخ کوچکش را دور لبش گرداند زنی که نشسته بود و داشت با میل بافتنی ، گامواهای دورو برش را خرج بافتن چیزی می کرد تا دیدش به پسر بچه که در حال نقاشی کردن بود گفت : بارلی این گرپه پیرو زشت را از اتاق بیرون کن . پسر بچه که انگار منتظر چنین فرمانی بود بیدرنگ از جا جست و تا او وضعیت حساس وریزشی پسر بچه،جانش را به نیش کشید .دردی عمیق استخوانهای پشتش را به یکباره فشرد . احساسش این بود که این هم از شوخی های لوس و بی مزه ٔ بارلی ٔ است فکر یک لقمه نان بی دردسر و ناز و کرشمه و نوازشهای پیشین با درد نشسته بر پشتش ور می رفت.ضربه دوم آنچنان قویتر بود که او را یکدم تازد و مجاله کرد ایستادن جایز نبود . لنگ لنگان دوید .

از دیروز تا حالا چیز درست و حسابی نخورده بود . ضربه های کاری پسر بچه ربق رفتن را از پاهایش بیرون کشید ولی چاره ای نبود . بارلی دست بردار نبود رجزخوان دنبالش می دوید ، از دیوار ووریویش بالا پرید وروی چمن کنار خانه جست ،همانجا درازبه دراز روی چمن ها افتاد .آفتاب روی تن سرد چمن ها گرم می ریخت . نمای سفید خانه را دید می زد . درد پشتش کمتر شده بود گرچه طعم ناخوشایندی زیر

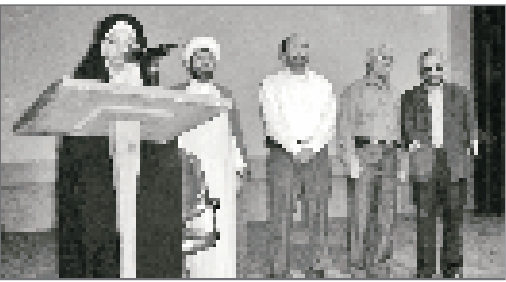
اولین جشنواره استانی داستان نویسی بسیج دانشجویی استان هرمزگان با هدف پرورش و کشف استعدادهای نهفته استان ، هفتم آبان در فرهنگسرای طوبی بندرعباس برگزار شد .
قائم مقام جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی کشور ، با بیان اینکه موضوع داستان که بیان کننده حجم است ، افزود : با یک نگاه و اندیشه نوبه جوامع ، روابط انسانی و روابط بین ملت ها به دنبال خلق طرحی نو باشیم و آن چیزی که از دفاع مقدس و حوادث یک جریان فرهنگی شکل می گیرد را باید با تولید کرد.
مجتبی شاکری خطاب به کسانی که در حیطه ادبیات داستانی قلم می زنند ، گفت : در عرصه هنر دو نگاه الهی و مادی وجود دارد که در ابتدای راه باید این دو نگاه را خوب مورد شناسایی قرار داد .



استخوانهای بدنش تیر می کشید . خانه در آغوش پیچک و رازبانه ها مثل هر روز آرام بود . پلکهایش که به هم نشست خودش را دوباره دید . پارسال، پیرارسال نمی دانست کی بوده است ؟ آن وقت ها خیلی جوان بود اصلا بچه بود . بیکروز که بی خیال داشت در حوالی لانه اشان - خرابه های پایین شهر، بازی می کرد و جست و خیز، دو تا جوان گرفتنش آن روزها پشمالی بود و سفید یکدست با چشمهای روشن به رنگ آسمان خیلی دست و پا زد و تقلا کرد . ولی آنها نگذاشتند برود . توی گونی انداختنش .اول خیاالش رسید دیگر کارش تمام است ولی بعد از چند روز گرمای شیر در صبح و غذاهای لذیذ و مهرمحبت و نوازشهای بارلی و مادرش ، تلخی دوری از خواهر و برادرها و مادر و پدرش را از حافظه اش سترد . دیگر غم غربت ، بغضش را گرہ نمی انداخت وقتی ملوس صدایش می کردند خودش را خوشبخت ترین گرپه روی زمین می دانست . با بارلی بازی می کرد ، می خورد می خوابید ، غذاهای رنگارنگ و چرب و خوشمزه ولی هیچگاه نمی فهمید که چرا به او این همه محبت و مهربانی می کردند حتی بارلی چند بار بخاطر آزار و اذیت او از دست خانم خانه کک خورده بود . نور خورشید ساده صمیمی روی پشت مجروح و خسته اش دست می کشید . جابجا که شد دوباره خودش را در گذشته اش دید . آن شب که از خاطر نمی برد . خیابانها تزئین شده بود آراسته و زیبا با چراغ های رنگا رنگ و چشمک زن ، پرچمهای کوچک

با هدف پرورش استعدادها برگزار شد

اولین جشنواره استانی و داستان نویسی بسیج دانشجویی در هرمزگان



کسب نمودند . ۵۰ نفر رتبه های تقدیر و ۱۲ نفرنیزرتبه های انقلاب و نظام نشر پیدا کند ، باید یک نگاه هوشمندانه ذکر است ؛بسیج دانشجویی دانشگاه پیام نورمرکز بندرعباس طی یکسال گذشته با برگزاری ۴ دوره کارگاه آموزشی ادبیات داستانی توانست حاصل آن را در اولین جشنواره استانی داستان نویسی بسیج دانشجویی و با همکاری ناحیه بسیج دانشجویی،سازمان ملی جوانان

اداره کل آموزش و پرورش ، کنگره سرداران شهید و شهدای استان ، اداره کل فرهنگ و ارشاد، بنیاد حفظ آثا و ارزشهای دفاع مقدس ، صدا و سیما

تونل گذشت از دو دیوار نیمه پرید و دوباره برگشت سرجایش ، باورش نمی شد اول همه برگشت .در قسمت بعدی می بایست از یک دیوار بتونی بلند می پرید ، کنار دیوار پراز آب بود . چند گرپه ترسیدند و نپرویدند . او از سکوی سیمانی شیب دار که بالا رفت و بر فراز سکو که ایستاد کمی سرش گنج رفت ولی سعی کرد به پایین نگاه نکند چشمهایش را بست و خودش را توی هوا رها کرد . بهتر از همه پریده بود، آن طرف آب و درست روی پل چوبی کوچک . در مسابقه جهیدن از روی میله های بلند هم موفق تر از گرپه های دیگر بود . می خواست جبران زحمت ها و محبت های خانم خانه را بجا بیاورد . مسابقه که تمام شد ملکه گرپه ها شده بود . چند فلاش زدنند و از او عکس گرفتند فیلم مصاحبه و خبر با خانم خانه . غرق شادی بود ، همه ناژش می کردند ، تا مدت ها عکس های جویراچورش روی جلد مجلات رنگ وارنگ خودنمایی می کرد جایزه ٔ یک قطعه استخوان طلا ٔ را به خانم خانه دادند . خیلی ها به دیدنش آمدند باهنر و پیشه ها و هنرمندان صاحب نامی عکس گرفت. غذاهايش خوشمزه ترشد . محبوب همه شده بود . به مسافرت بردنش، بارلی جرات چپ نگاه کردن به او را هم نداشت . توی حمام خانه با بهترین شامپو می شستش غذاهای سفارشی می خورد . از آن شب به بعد ، ٔ کت گلدن ٔ می گفتنش ٔ گرپه طلائی ٔ همه جا بود توی تلویزیون ، روزنامه ها ، بیلبوردهای تبلیغاتی روی جلد کتابها و صفحه اول روزنامه ها . در حالات مختلف نشسته ، خوابیده ، در حال شیرخوردن ، خواب ناز... خانم خانه خیلی راضی بود . می گفت:

گرپه خوش شاشنی است ، اصلا اسمش رو گذاشته بود گرپه چند میلیون دالاری... گرسنگی خیلی آزارش می داد .

آفتاب ظهر،بدنش را داغ کرد و سوزاند ... دیشب دوباره همانجا رقتیم همان چیزها بود . سروسوا هورا، عکس و فیلم و موزیک و کف و سوت و گرپه های... ولی نمی دادم چرا نتوانستم اول بشوم. تو مسابقه گرپه ای آخر شدم و بعد از آن دیگر نه خانم خانه من را می خواست و نه راعم دادند و بدتر از همه این بارلی است که فقط کافی یک کلمه بشنود مثل چند دقیقه پیش... به خودش فشار آورد تا روی دست و پایش بایستد و به سمت آن سوی خیابان برود . گرسنگی و درد خستگی و نا امیدی طاقت و توانش را شکسته بود . تا توان تر از آن بود که بتواند قدمی بردارد گوشه چمن نزدیک سطل زباله از هم وارفت و ولو شد .

و چند رنگ که با باد می رقصیدند. او را توی وان حمام خانه با شامپو ی می داد . با برس نرمی بدنش را فرم داده بودند برای خشک کردن موها پیش سشوار بکار برده بودند . بهترین تکه آن شب برای او پارچه نرم و لطیفی بود که

خانم خانه با حوصله و ظرافت بر او پوشانده بود . عطرلند انگیزی داشت که بر دلپذیری و مست کنندگی پیچک و رازبانه ها مثل هر روز آرام بود . پلکهایش که به هم نشست خودش را دوباره دید . پارسال، پیرارسال نمی دانست کی بوده است ؟ آن وقت ها خیلی جوان بود اصلا بچه بود . بیکروز که بی خیال داشت در حوالی لانه اشان - خرابه های پایین شهر، بازی می کرد و جست و خیز، دو تا جوان گرفتنش آن روزها پشمالی بود و سفید یکدست با چشمهای روشن به رنگ آسمان خیلی دست و پا زد و تقلا کرد . ولی آنها نگذاشتند برود . توی گونی انداختنش .اول خیاالش رسید دیگر کارش تمام است ولی بعد از چند روز گرمای شیر در صبح و غذاهای لذیذ و مهرمحبت و نوازشهای بارلی و مادرش ، تلخی دوری از خواهر و برادرها و مادر و پدرش را از حافظه اش سترد . دیگر غم غربت ، بغضش را گرہ نمی انداخت وقتی ملوس صدایش می کردند خودش را خوشبخت ترین گرپه روی زمین پنداشت خانم توی اتومبیل بیکار دیگر آن موزیک تند را برایش گذاشت و او با ضرباهنگ آن حسابی جست و خیز زد بالا و پایین پرید . خانم به این حرکات شاد و نرم او می گفت: پاله گرپه ای و او را صدامی زد ٔ کت داسن ٔ بیکار یکی گفته بود این ترجمه گرپه رقصنده است . وقتی اتومبیل ایستاد او را به همراه خدوبه سالن بزرگ و مجلی برد تعداد دیگری گرپه هم آنجا بودند ، کوتاه ، بلند ،پشمالی ، شسته و تمیز با رنگهای گوناگون بعضی ها خیلی پرفیس و افاده بودند . آدمهای زیادی هم آنجا بودند کوچک و بزرگ ، زن و مرد . یک نفر از پشت تریبون گفت : شب انتخاب ملکه گرپه های ست، زیباترین و بهترین و ملوس ترین گرپه را اسنب انتخاب می کنیم و به صاحب آن یک قطعه استخوان طلائی می دهیم. هیاهوری هورا و غوغای کف و سوت بهم امیخت ، برخی آدمها بالا و پایین می پریدند و داد هورا می کشیدند . اما گرپه ها همگی توی یک ردیف نشسته بودند . همانکس که پشت تریبون حرف می زد ادامه داد : اولین بخش مسابقه ٔ مسافت پیمایی ٔ گرپه ایی است در اولین بخش هر چه توان داشت توی پاها و دستهایش ریخت و دوید ، از پله ها بالا رفت ، از یک

چهارشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۸۶

برای با ۲۶ شوال ۱۴۲۸

۴

ò ò ò

روی لبه پنجره لمیده بود با حسنی لبریز از بزرگی و خود شیفتگی ، باقی مانده گوشش ترد را نشخوار می کرد گرپه جدید خانواده بارلی ... از پای دیوار نگاهش کرد . چقدر شبیه خودش بود نگاهش را فهمید پر تحقیر و کوچک شمردن بود . خواست فریاد بزند سرانجام تو هم مثل من است .

تا جایزه بیاوری و معروف بشوی و چند میلیون دلاری بشوی برایشان ارزش داری و بعد همان بلایی را که سر من آوردند سر تو هم می آورند . بیا بازچپه هوس آنها نباش. دوباره که به پنجره نگاه انداخت گرپه جدید را ندید. هنوز گرسنه بود ، هر چه توی سطل و زباله را می شد خورد امتحان کرده بود ولی هنوز گرسنگی رنجش می داد . به سمت آن طرف خیابان راه افتاد به پیاده رو نرسیده پسر بچه ای را دید که چوبی را توی هوا تکان می دهد و به سوی او می دود احساس کرد اگر ندود مزه تند و تلخ چوب را نیز خواهد چشید. از دیوار نیمه که پرید میان گروهی از خاکروب‌ه ها و زباله ها افتاد . تیزی دردناک چیزی توی تنش فرو رفت . شیشه شکسته ای بود . خون گرم خودش را یک سوسیس را گاز می زد . خواست تکان بخورد ولی نتوانست .کم کم حس کرد دست و پاهایش تکان نمی خورد ، آرام آرام خلابی در برش تکان

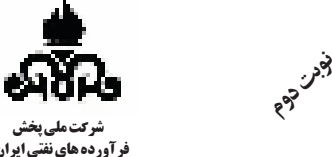
چند ساعت بعد لاشه گرپه ای میان آن همه خاکروب‌ه گاهی یکبار صفحه اول همان میله ای را ورق می زد که عکس گرپه رویش از مرز خوب سوسیس و کالباس تعریف می کرد .

آب بازی برای گرپه جدید خانواده بارلی طعم شیرین یک تجربه خوب را داشت . برای گرپه جدید اصلا مهم نبود که دیشب همه عکس های قاب گرفته گرپه قبلی را جمع کرده بودند ، به زندگی تازه اش که پر از شیر و نوازش و احترام بود خیلی می نازید دوری از خانواده یادش رفته بود و همه چیز برایش لذت بخش بود ...

پایان ò

سید رضا هاشمی

آگهی مناقصه



شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران - منطقه هرمزگان در نظر دارد تامین و راهبری خودروهای سواری استیجاری مورد نیاز خود را در بندرعباس بصورت حجمی به بخش خصوصی واگذار نماید . لذا از کلیه پیمانکاران واجد شرایط ذیل دعوت می نماید جهت دریافت مدارک اسناد مناقصه حداکثر تا پانزده روز پس از درج این آگهی به دبیر خانه کمیسیون مناقصات این منطقه به نشانی : بندرعباس – بلوار پاسداران – جنب بندر شهید باهنر مراجعه فرمایند.

۱-دارا بودن گواهی تأیید صلاحیت از سازمان کار واموراجتماعی استان

۲-دارا بودن حسن سابقه انجام کار مرتبط

۳-توان تامین خودروهای مناسب و راهبری آنها بانירוهای توانمند

روابط عمومی

آگهی مناقصه



شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران - منطقه هرمزگان در نظر دارد اداره امور ایمنی و آتش نشانی انبارهای نفتی خود را در سطح استان هرمزگان به صورت حجمی به بخش خصوصی واگذار نماید . لذا از کلیه پیمانکاران واجد شرایط ذیل دعوت می نماید جهت دریافت مدارک و اسناد مناقصه حداکثر تا پانزده روز پس از درج این آگهی به دبیر خانه کمیسیون مناقصات این منطقه به نشانی : بندرعباس – بلوار پاسداران – جنب بندر شهید باهنر مراجعه فرمایند.

۱-دارا بودن گواهی تأیید صلاحیت از سازمان کار واموراجتماعی استان

۲-دارا بودن حسن سابقه انجام کار مرتبط

۳-دارا بودن کادر توانمند متناسب با شرح وظایف محوله

روابط عمومی

آگهی مزایده اموال منقول نوبت دوم

طبق صورت جلسه مورخه ۸۴/۴/۱۶ یک دستگاه لیفتراک ۲ تنی کاتر پیلار طبق نظریه هیات کارشناسان دادگستری بندرعباس به مبلغ چهل و پنج میلیون ریال در قبال اصل طلب و نیم عشر اجرائی و دو عشر اضافه متعلق به شرکت تعاونی و تخلیه و بارگیری تابان مبین جنوب مدیون پرونده اجرائی کلاسه ۲۰۹۳ - ۸۲- بابت بدهی به اداره کل بنادر و کشتیرانی استان هرمزگان بازداشت و ارزیابی گردیده که درروز دوشنبه مورخ ۸۶/۹/۸ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر واقع در قسمت نگهداری انبار فنی اسکله شهید رجایی بندرعباس از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده آن مبلغ چهل و پنج میلیون ریال شروع و به بالاترین قیمتی که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد حق حراج و سایر هزینه های قانونی دیگر به عهده خریدار بود .

عبدالله خواجه بار مسئول اجرای ثبت بندرعباس

تاریخ انتشار نوبت اول : ۸۶/۸/۶ – تاریخ انتشار نوبت دوم : ۸۶/۸/۶

منشورهای

سند و شناسنامه ماشین پژو ۴۰۵ با شماره پلاک

۹۵۷۱۱۱۱۶به رنگ نقره ای متالیک و شماره

موتور ۹۵۴۹۰۰۱۴۴۸۵۰ و شماره شاسی ۱۴۲۹۴۴۶۳

بنام علی پاشاییک محمدی فرزند عبد... شماره

شناسنامه ۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار

ساقط می باشد

پی په سرای هنر بر گزار می کند

اولین کنسرت بزرگ موسیقی

اسحق احمدی

✓ زمان : دی ماه ۸۶

✓ مکان : بندرعباس

تلفن جذب اسپانسر و اطلاعات

(نظری).۰۹۱۷۳۶۸۱۷۷۰